

تکامل خط عربی در پرتو صیانت از قرآن

سید بابک فرزانه^۱

چکیده

تا آنجایی که از حدود دو سده قبل از ظهور اسلام از تاریخ زبان عربی که قرآن به آن نازل شده است، اطلاع داریم، زبانی در جزیره العرب رواج داشته است که برای شعر و خطابه به کار می‌رفته است. این زبان از هر گونه خطای گفتاری مصون بوده است تا این که پس از ظهور اسلام و آغاز فتوحات اسلامی غیر عربها وارد جامعه عربی شدند و همین امر سبب شد توسط آنان که این زبان را از توده مردم می‌آموختند، خطای در گفتار (= لحن) به زبان عربی وارد شود. مسلمانان برای پاسداری از این زبان تلاش‌هایی کردند. در این مقاله می‌کوشیم ضمن یک بررسی تاریخی در خصوص زبان عربی به یکی از این تلاش‌ها یعنی نقط و تألیفات که از رهگذر آن و برای پاسداری از قرآن به وجود آمده و مآلاً سبب تکامل خط عربی گردیده است، بپردازیم.

کلید واژه‌ها: زبان عربی، لحن، تصحیف، نُقْطُ إِعْرَابِ، نُقْطُ إِعْجَامِ، خط عربی.

۱. طرح مسئله

در تاریخ پیدایش زبان عربی اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را به نخستین کتیبه ای که به زبان عربی نگاشته شده باز می‌گردانند. برخی دیگر پیدایش نخستین متن منظوم جاهلی را که به دست ما رسیده است، تاریخ پیدایش زبان عربی می‌دانند. آنچه مسلم است این است که تاریخ این زبان کهن تر از متون جاهلی که متضمن اندیشه والا، حکمت و مکارم اخلاق است، نیست.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

Email: dr.farzaneh@gmail.com

این همان زبانی است که دو سده پیش از اسلام در جزیره العرب به عنوان یک زبان رسمی رواج داشته است و شاعران و خطیبان آن را بکار می‌گرفته‌اند.

قرآن کریم به زبان عربی مشترک میان قبائل (العربیة الفصحی) نازل شد^۱. و سبب جاودانگی این زبان گردید. پس از فتوحات اسلامی و در آمیختن اعراب با غیر خود پدیده لحن (خطای در گفتار) وارد زبان عربی گشت و گسترش یافت و به تهدیدی جدی برای زبان گفتگو و البته زبان قرآن تبدیل گشت (برای مطالعه بیشتر رک: آل یاسین، ۳۴-۴۹). همین امر سبب شد، برای صیانت و پاسداری از قرآن اقداماتی صورت پذیرد. ضبط قرآن نخستین کاری بود که برای صیانت از آن مورد توجه مسلمانان و دانشمندان قرار گرفت. آنان دو کار پر اهمیت روی قرآن انجام دادند که تَنقُطِ اِعْرَابِی و تَنقُطِ اِعْجَامِی نامیده شد.

۲. تَنقُطِ اِعْرَابِی و تَنقُطِ اِعْجَامِی

همچنان‌که اشاره شد، ضبط قرآن به سبب صیانت آن از لحن یا خطای در گفتار نخستین حرکت علمی در زمینه قرآن بود. در سده اول، ابو الاسود دؤلی (د ۶۹ق) شاعر و تابعی مشهور (در باره این شخصیت رک: مقاله ابوالاسود در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۷۹/۵) که در عراق ساکن بود، متولی این امر شد (رک: دانی، ۴؛ ذهبی، سیر...، ۱۸۵/۵؛ سیوطی، المنزه، ۳۳۹/۲).

ابو الاسود ابتدا تا انتهای قرآن را برای کاتبی از عبد قیس قرائت کرد و آن کاتب نیز بر اساس دستور وی قرآن را با رنگی غیر از رنگی که قرآن با آن کتابت شده بود، نقطه‌گذاری کرد. این کار در حقیقت شکل نخستین اعراب‌گذاری قرآن بود و نقطه‌ها حکم اعراب را داشتند (نقط اعرابی). گفتنی است که نگاشتن نقطه (نقط) با رنگی متفاوت الزامی بود. ابو عمرو به

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص پیدایش این زبان مشترک و دیدگاه‌های ارائه شده رک: ابن فارس، ۵۲-۵۳؛ ابن جی، ۱۱۱/۲؛ راجعی، اللهجات العربیه، ۴۰-۴۹؛ یعقوب، ۱۲۲-۱۲۳؛ وانی، ۱۱۲؛ ولفسون، ۱۶۶؛ تیس، فی اللهجات العربیه، ۴۰-۴۱؛ آل یاسین، ۳۱-۳۲.

تکامل خط عربی در پرتو صیانت از قرآن ۷۳

این تصریح می‌کند و نقط را در صورتی جایز می‌شمرد که با رنگی متفاوت باشد تا مبادا گزندی به نص قرآن وارد آید. نقاط مدینه حرکات، سکون و تشدید را با رنگ قرمز و همزه را با رنگ زرد نشان می‌دادند؛ اما نقاط عراق همه نقطه‌ها را با رنگ قرمز می‌گذاشتند (الحکم، ۱۹-۲۰). برخی برآن‌اند که عرب‌ها این شیوه اعراب‌گذاری را از سریانیان آموخته‌اند (رک: حسن، ۲۸-۲۹؛ فریج، ۴۰-۴۳؛ کردی، ۷۵).

بعد از این مرحله مشکل دیگری به وجود آمد که آن‌هم در پی فتوحات و درآمیختن غیر عرب‌ها با عرب‌ها بود و آن تمیز میان حروف مشابه در نگارش (مانند: «س» و «ش» یا «ح» و «خ») از یکدیگر بود. یکی از شاگردان ابوالاسود به نام نصرین عاصم (د. ۸۰ یا ۹۰) یا یحیی بن یعمر (د. ۸۹) رفع این مشکل را برعهده گرفت. وی نقط جدیدی را ابداع کرد (آل یاسین، ۵۴-۵۵) به این ترتیب که بالا یا پایین مجموعه‌ای از حروف نقطه‌هایی قرار داد و برخی از حروف را رها کرد. بدین سان این ابهام نیز برطرف شد. این کار نقط اعجابی نام‌گذاری شد و تقسیم‌بندی حروف به معجمه (با نقطه) و مهمله (بدون نقطه) برخاسته از همین جاست. گفته شده است که این نوع نقط پیش از اسلام رایج بوده؛ اما همه حروف را در بر نمی‌گرفته است و در زمان پنجمین خلیفه اموی عبدالملک بن مروان (۶۴۶-۷۰۵ م) به سبب گسترش تصحیف به صورت جامع بدان پرداخته شده است. همین امر آنان را واداشت از ترتیب کهن حروف یعنی ترتیب ابجدی روی گردانده، سراخ ترتیب صوتی خلیل رفته و سرانجام از ترتیب هجایی - که در آن حروف مشابه کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (أ، ب، ت، ث، ج، ح، خ ...) - پیروی کنند (رک: ناصف، ۳۵؛ انیس، *دلالة الالفاظ*، ۲۳۵؛ یعقوب، ۲۳۳-۲۳۴).

روایت‌هایی در دست است که یحیی بن یعمر (برای آگاهی از شرح حال وی رک: ذهبی، *علوم القرآن*، ۳۷/۱) و نصرین عاصم را (رک: همو، ۳۹/۱) که هر دو از قاریان بصره بودند، نخستین کسانی معرفی می‌کند که به نقط مصاحف پرداخته‌اند (مثلاً رک: دانی، ۵-۶؛ ابن کثیر،

۷۳/۹). با این همه صاحب کتاب *الحکم* احتمال می‌دهد که آنان نخستین کسانی باشند که در شهر بصره بدین کار اقدام کرده‌اند و کارشان مأخوذ از ابوالاسود است (همو، ۶؛ نیز رکن زرقانی، ۴۰۴، ۴۰۶/۱؛ سیوطی، *اللاتقان*، ۱۶۶/۲). با نقط اعرابی و نقط اعجمی مسلمانان توانستند، قرآن را از لحن و خطای در گفتار مصون دارند. البته پدیده نقط خود شکل‌های گوناگونی داشته و مراحل را گذرانیده است. مثلاً گفته‌اند: نخست حروف یاء و تاء نقطه‌گذاری شده‌اند؛ سپس نقطه‌هایی در پایان آیات بدان افزوده شده است؛ در پایان هر پنج آیه (تخمیس) و یا در پایان هر ده آیه (تعشیر)^۱ و آنگاه در آغاز و پایان آیات (همو، ۲).

نقط با رنگ مخالف رنگ کتابت قرآن - که پیش‌تر بدان اشاره شد - در زمان حکومت بنی‌عباس به دلیل دشواری امر از رواج افتاد و هنگام کتابت با همان رنگی که قرآن به کتابت می‌شد، نقط صورت می‌گرفت. همین امر شکل جدیدی از تصحیف و اشتباه را بدنبال داشت؛ از این رو دانشمند مشهور خلیل بن احمد فراهیدی و صاحب لغت‌نامه *ارزشمند المعین*، نقط ابوالاسود را تکامل بخشید و آنها را به علامت‌هایی تبدیل کرد که شباهت بیشتری به اعراب داشت و آنها همان علامت‌هایی هستند که امروزه به کار می‌روند. دیگر بر اثر آن نقط اعرابی با نقط اعجمی آمیخته نمی‌شد و نگارش آنها را با رنگ کتابت قرآن ممکن می‌ساخت. در خور ذکر است که نقط با همه اهمیتی که داشت با مخالفت‌هایی نیز روبرو شد؛ اما هنگامی که فائده آن آشکار گردید، بدان توصیه شد (نک: دنباله مقاله، نیز رکن یعقوب، ۲۳۴-۲۳۵؛ جمعه، ۵۴-۵۵). در حقیقت نگرانی مسلمانان در جهت حفظ و همان‌طور که گفتیم صیانت قرآن از لحن و تصحیف منجر به نقط اعرابی و نقط اعجمی گردید و از این رهگذر خط عربی مراحل بسیار مهمی از مسیر تکاملی خود را پیمود. از دیگر سو با بررسی موضوع نقط بسیاری از ابهاماتی که تاریخ پیدایش کتابت عربی و نحو عربی را در بر گرفته آشکار می‌گردد.

۱ - قال سمعت قتادة يقول: بدؤوا فنقطوا، ثم حَسَرناهم عشروا (دالی، ۲).

۳. تألیفات در زمینه نقط

بدون در نظر گرفتن تألیفات منسوب به ابو الاسود دؤلی (د۶۹ق) و خلیل بن احمد (د۱۷۰) که ابو عمرو دانی او را نخستین مؤلف در این زمینه می داند (دانی، ۹)، از اوایل سده ۳ تا اواخر سده چهار آناری به برخی مؤلفان چون ابو محمد یحیی بن مبارک یزیدی (د۲۰۲)، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (د۲۵۵ق)، ابوبکر احمد بن موسی بن مجاهد (د۳۲۴ق) و ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی (د۳۸۴ق) نسبت داده شده است که هیچ یک به دست ما نرسیده است (رک: حسن، ۳۲-۳۳؛ آل یاسین، ۵۵-۵۶). در اواخر سده ۴ و اوائل سده ۵ق ابو عمرو دانی (د۳۷۱ق) دانشمند برکار اندلسی در زمینه نقط کتابی نگاشت. اثر او که با عنوان *الْحُكْمُ فِي نَقَطِ الصَّاحِفِ* نخستین بار در ۱۹۶۰م و سپس در ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م در دمشق و به کوشش عزة حسن به طبع رسیده (رک: دائرة المعارف اسلامی، مدخل «DANI»)، تنها اثری است که در این زمینه از آن روزگاران برجای مانده است. این اثر علاوه بر در داشتن نظریات پیشینیان در زمینه نقط، معتبرترین مأخذ و مرجع پژوهشگران علوم قرآنی در این باب به شمار می رود. ابو عمرو دانی در *الحکم* به معرفی آغازگران این راه پرداخته (ص ۲-۳) و در آن از کسانی که نقط را روانی شمردند (۱۰-۱۱) و نیز کسانی که به این کار رخصت داده اند (۱۲-۱۳) نام می برد.

پس از ابو عمرو دانی توجه به موضوع نقط رنگ باخت و به سبب روی آوردن به شیوه خلیل بن احمد و پیروی نحویان از وی، کتاب مهمی در این خصوص به نگارش در نیامد. تنها کار درخور ذکر پس از *الحکم* دانی، *أرجوزه* ای است که أبو عبدالله محمد بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله اموی شریسی خرازی (د۷۰۳ق/۱۳۰۳م) سرود و أبو عبدالله محمد بن یونس بن عبدالله بن عبدالجلیل تنسی (د۸۹۹ق/۱۴۹۳م) آن را با عنوان *الطراز فی شرح ضبط الخراز شرح و تفسیر کرد* (برای آگاهی از نسخه های خطی این اثر رک: بروکلیمان، ذیل، ۲/۳۴۱، ۳۴۹). تنسی در شرح خود از کتاب ابو عمرو و نیز کتابی در نقط از ابو داود سلیمان بن نجاح (؟) بهره برده است.

۴. نتایج

زبان قرآن همان العریبة الفصحی است که همه قبایل عرب به عنوان یک زبان رسمی با آن آشنا بوده‌اند و نزول قرآن سبب جاودانگی آن گردید و البته تأثیرهایی نیز در آن داشت. مسلمانان حفظ این زبان را در زمره وظایف خود می‌دانستند و از همین رو هنگامی که خطراتی همچون لحن زبان عربی فصیح را مورد تهدید قرار داد، در صدد برآمدند با اعمال قواعد و قوانینی آن را حفظ کنند. همین امر یعنی صیانت قرآن از سویی انگیزه پدیدار شدن بسیاری از دانش‌ها گردید که بعدها تألیف در زمینه آنها سبب شد، میراثی گران‌بها و ذخیره‌ای ارزشمند برای مسلمانان به یادگار ماند. بخش قابل توجهی از این میراث عظیم در اختیار ما قرار نگرفته است؛ لیکن آنچه در دست داریم، البته مأخذ تحقیقات ارزشمندتری در باره قرآن است و از سوی دیگر راه را برای تکامل خط عربی گشود و بدین‌سان این خط مشکول شد و حروف آن که از نظر شکلی شبیه به یکدیگر نوشته می‌شدند با نقطه گذاری از یکدیگر باز شناسی شدند.

کتابنامه

- ابن جنی، عثمان، الخصائص، به کوشش محمد علی نجار، قاهره، المكتبة العلمية، ۱۳۷۱ق/۱۹۵۲م؛
ابن فارس، احمد، الصحاح، به کوشش مصطفى شويبي، بيروت، مؤسسة بدران للطباعة و النشر،
۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م؛
ابن كثير، البداية و النهاية، بيروت، مكتبة المعارف، ۱۹۹۵م
أنيس، ابراهيم، في اللهجات العربية، قاهره، مكتبة الانجلو المصرية، ۱۹۹۵م؛
همو، دلالة الالفاظ، قاهره، ۱۹۷۲م
آل ياسين، محمدحسين، الدراسات اللغوية عند العرب إلى نهاية القرن الثالث، بيروت، دارمكتبة
الحياة، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛
جمعه، ابراهيم، قصة الكتابة العربية، قاهره، ۱۹۴۷م؛
حسن، عزة، مقدمه بر المحكم في نقط المصاحف، دمشق، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م؛
دانی، ابو عمرو عثمان بن سعيد، المحكم في نقط المصاحف، به کوشش عزة حسن، بيروت، دار الفكر،
۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م؛
دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زیر نظر كاظم موسوی بجنوردی، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ
اسلامي، ۱۳۷۲ش
ذهبي، محمد حسين، سير اعلام النبلاء، دارالفکر، ۱۹۹۷م
همو، علوم القرآن، دارالکتب العلمية، ۱۹۹۷م
راجحي، عبده، اللهجات العربية في القراءات القرآنية، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۹م؛
همو، فقه اللغة في الكتب العربية، بيروت، دار النهضة العربية، تاريخ مقدمه ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م؛
زرقاتي، متاهل العرفان، دارالکتب العلمية، بی تا، بی جا
سيوطي، جلال الدين، المزهري في علوم اللغة و انواعها، دارالکتب العلمية، ۱۹۹۸م

همو، *الاتقان فی علوم القرآن، دار الفکر، بی تا، بی جا؛*

فریحی، آنیس، *الخط العربی، نشأته و مشکلاته، ١٩٦١م؛*

کردی، محمد طاهر، *تاریخ الخط العربی و آدابه، قاهره، ١٩٣٨م؛*

وافی، علی عبد الواحد، *فقه اللغة، قاهره، دار نهضة مصر، بی تا؛*

ولفسون، اسرائیل، *تاریخ اللغات السامیة، بیروت، دارالقلم، ١٩٨٠م؛*

ناصر، حفی، *تاریخ الادب أو حیاة اللغة العربیة، قاهره، ١٩٠٩م؛*

یعقوب، امیل بدیع، *فقه اللغة العربیة و خصائصها، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٩٨٢م؛*

Brockelmann. C, *Geschichte Der Arabischen Litteratur, Zweiter Supplementband, Leiden, ١٩٣٨.*

Encyclopaedia of Islam, CD-ROM EDITION.